

کودکان خیابان

شهریار شمس مستوفی

کودکان خیابان / Street children به کودکانی گفته می‌شود که در شهرهای بزرگ برای ادامه‌ی بقاء خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها هستند. این گروه از کودکان به دلیل فقر، رها شدن و یا آزار دیدن در خانواده به خیابان‌ها روی می‌آورند. یونسکو بچه‌های خیابان را کودکان و نوجوانان ولگرد و آواره‌ای می‌داند که از خانه خود بریده‌اند و در خیابان‌ها با گدایی و دستفروشی و نظایر آن روزگار می‌گذرانند و معمولاً در خیابان‌ها و مکان‌های باز می‌خوابند. در مطالعه‌ای پیرامون وضعیت بچه‌های خیابان در ایران که توسط یونسف انجام شده، نشان می‌دهد که ۶۰ درصد بچه‌های خیابان از مهاجرینی هستند که خود دو گروه را تشکیل می‌دهند. مهاجرین از شهرستان به تهران و مهاجرین خارج از کشور به ایران (مثل عراقی‌ها و افغانی‌ها). بقیه بچه‌های خیابان به دلیل فقر خانوادگی در خیابان‌ها مشغول کار می‌باشند و گروهی دیگر به دلیل شرایط نابرابر خانوادگی و اشتغال‌ناشدن شدید از خانواده فرار کرده‌اند و چون جایی برای خواب ندارند، به پارک‌ها و میادین، خانه‌های متروک و زیر پل‌ها پناه می‌برند. این گروه از کودکان معمولاً در همین مکان‌ها جذب بزهکاری می‌شوند.

کودکان خیابانی چه در حال گدایی در سر چهارراه‌ها باشند چه آدامس بفروشند، چه مشغول زیوررو کردن زیاله‌ها باشند، زاییده جوامع صنعتی و رشد شهرنشینی هستند. برخی آمار نشان می‌دهد در سطح جهان بیش از ۱۴۵ میلیون کودک در خیابان‌ها زندگی می‌کنند که روز به روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. مطالعه‌های سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که اکثر کودکان خیابان مورد سوءاستفاده جنسی، روانی و اقتصادی قرار می‌گیرند و بسیاری از آنان به بیماری‌های غیر قابل علاج مبتلا می‌شوند. آمارها می‌گویند: بسیاری از کودکان به دلیل

بسی توجهی و بدرفتاری والدین از خانه می‌گریزند. بر اساس مطالعه‌ای که پونیسف در بین دو هزار و ۲۴۰ نوجوان دبیرستانی ایران انجام داده است، حدود ۶۰ درصد از آزار دیدگان، در خانواده مورد آزار قرار گرفته‌اند. تعداد ۱۰۶ نفر گزارش کرده‌اند که این آزار جنسی بوده است.

۶۱ درصد آنان آزار جسمی، ۳۳ درصد آزار روانی و ۶/۶ درصد آزار جنسی را تجربه کرده‌اند. در ۲۲ درصد موارد، آزارگر عضو خانواده، در ۳۱ درصد خویشاوند نزدیک و ۱۶ درصد، آشنای خانوادگی بوده‌اند.

آزار دیدگی در خانواده انگیزه‌ی قوی برای فرار کردن از خانواده و روی آوردن به زندگی خیابانی ایجاد می‌کند.

یکی دیگر از عوامل ایجاد پدیده‌ی کودکان خیابان، مهاجرت است. در ایران اخذ شناسنامه و تابعیت از مشکلات کودکانی است که مادران ایرانی آنان بدون توافق دولت با اتباع خارجی ازدواج کرده‌اند. از آن‌جا که قوانین موجود چنین ازدواج‌های را به رسمیت نمی‌شناسد، اخذ شناسنامه و تابعیت ایرانی برای فرزندان حاصل از این ازدواج بسیار دشوار است. بسیاری از این کودکان که پدری افغانی و مادری ایرانی دارند پناهنده به حساب می‌آیند و اگر والدین آنان نتوانند ازدواج را رسماً ثبت نمایند، کودکان بدون هویت و ملیت باقی می‌مانند. این گروه از کودکان چون نمی‌توانند به مدرسه بروند و یا بهتر بگوییم اصلاً رسمیتی ندارند، طعمه‌های خوبی برای باندهای بهره‌کشی از کودکان می‌باشند. که آنان را یا به‌طور غیرقانونی در کارگاه‌های خود استثمار می‌کنند و یا آنان را به توزیع مواد مخدر، فحشا، تکدی و... می‌کشند.

گروه دیگر از مهاجرین، مهاجرین از روستا به شهر می‌باشند. ناهماهنگی فرهنگی و اقتصادی محیط شهرها با روستاها باعث می‌شود تا کودکان این مهاجرین به جای حضور در خانواده یا مدرسه به صورت بچه‌های ولگرد برای سیر کردن شکم خود در خیابان‌ها پرسه بزنند و یا با روی‌آوری به مشاغل کاذب سعی نمایند به اقتصاد خانواده کمک کنند.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد حدود ۱/۳ درصد کودکان بین ۶-۱۴ سال به کار اشتغال دارند و به مدرسه نمی‌روند. این رقم در مناطق شهری ۵/۰ درصد و در مناطق روستایی ۲/۴ درصد است. در روستاها دخترانی که به مدرسه

نمی‌روند ۶ برابر بیش‌تر از پسران است. اما در مناطق شهری تعداد پسران مشغول به کار دو برابر دختران است. در مورد کودکان خیابان نیز پسران بیش از ۴ برابر دختران هستند. کارشناسان مسایل اجتماعی معتقدند بی‌توجهی به بچه‌های خیابان موجب افزایش میزان جرایم و گرایش به بزهکاری در آنان می‌شود. بسیاری از کودکان خیابان به دلایل مختلفی چون ولگردی، سرقت و... دستگیر شده‌اند. نتایج یک بررسی درباره‌ی بزهکاران در کانون اصلاح و تربیت تهران نشان می‌دهد بیش‌تر نوجوانان در سنین ۱۴ تا ۱۷ سالگی مرتکب جرم می‌شوند (هر چند حتا سنین شش و هفت سالگی هم مشاهده شده است) و تقریباً نیمی از آنان به دلیل سرقت، بین ۲۳ تا ۲۹ درصد به دلیل ضرب و شتم و مابقی به دلیل جرایم جنسی و مواد مخدر بازداشت شده‌اند.

مطالعات موردی نشان می‌دهد بیش از ۹۵ درصد ساکنین کانون اصلاح و تربیت یا فاقد خانواده بوده‌اند و یا بحران‌های جدی در روابط خانوادگی داشته‌اند. تعداد کثیری از آنان در خیابان‌ها زندگی کرده‌اند و برخی از آنان به خاطر نداشتن جا و مسکن برای خواب به‌خصوص در زمستان‌ها اقدام به سرقت‌های آشکار می‌کنند تا به کانون منتقل شوند و زمستان جایی برای خواب داشته باشند.

در کل می‌توان کودکان خیابان را به چهار گروه عمده تقسیم کرد:

۱. کودکان مهاجر؛
۲. کودکانی که در خانواده‌های پرتنش زندگی می‌کنند و یا کودکانی که والدین آن‌ها از هم جدا شده‌اند و هیچ‌کدام حاضر به نگهداری کودک نیست (کودکان بدسرپرست)؛
۳. کودکانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند؛

۴. کودکان بی‌سرپرست.

در مجموع مسأله‌ی کودکان خیابان مسأله‌ای جهانی است و عمده‌ترین راه برای مقابله با آن ایجاد کانون‌های نگهداری برای بچه‌های خیابان و یا خانه‌های امن است. هم‌چنین اصلاح قوانین به نفع کودکان، آشنا نمودن کودکان با حقوق خود، ایجاد مراکز مشاوره‌ای، بالا بردن سطح آگاهی عمومی، اشتغال‌زایی برای کاهش فقر و همکاری سازمانی‌های موازی و مسئول در این قضیه، از مهم‌ترین راه‌های کاهش و مبارزه با پدیده‌ی «کودکان خیابانی» است. ◇